

# افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد  
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

نویسنده: کلارا زتکین  
برگردان: توفان آراز  
۱۴ اگست ۲۰۲۲



## خطوط سمت ده به جنبش کمونیستی زن

پیوست: درک زتکین از قضیه زن

(۶)

روشنگری ها

<sup>1</sup> Berlin, Dietz Verlag, 1957 - 60

<sup>2</sup> دومین کنگره انترناسیونال سوم از ۱۹ جولای تا ۷ اگست ۱۹۲۰ برگزار گردید. در همین کنگره بود که بر نامه، تاکتیک کمینترن تنظیم و اساس تشکیلات آن گذاشته شد.

در کنگره ۱۶۹ نماینده با حق رأی کامل و ۴۹ نماینده با حق سخن رانی شرکت داشتند، و ۶۷ سازمان کارگری و احزاب ۳۷ کشور را نمایندگی می کردند.

کنگره از جمله ۲۱ شرط انتخابی را، که توسط ولادیمیر ایلچ لنین (نام واقعی: اولیانوف) (Vladimir Ilij Lenin(Uljanov) (۱۸۷۰ - ۱۹۲۴) تعیین شده بود، تصویب نمود.

کنگره با نطق لنین " درباره وضعیت بین المللی و وظایف اصلی انترناسیونال کمونیستی" افتتاح گردید. لنین در این نطق اساسی ترین مورد در وضعیت عمومی جهان در دهه ۲۰ قرن سابق را روابط اقتصادی امپریالیستی تلقی کرد، و جنگ جهانی اول (۱۸ - ۱۹۱۴) را نتیجه تلاش امپریالیست ها برای تقسیم تازه کره زمین و استقرار حاکمیت انحصارات سرمایه

داری و سرمایه بانکی- مالی دانست، و از تضعیف گشتن دول امپریالیستی سابق انگلستان، فرانسه، المان و تقویت شدن دول امپریالیستی جدید پس از جنگ، عمدتاً امریکای شمالی و جاپان، سخن گفت.

لنین در نطق مسائل بحران، سلطه مخرب اپورتونیزم بر جنبش کارگری در اروپا، رُل چپ در کمونیسم، تقویت گشتن جنبش انقلابی در جهان بر اثر جنگ جهانی، نحوه پیشرفت رضایت بخش جنبش شورائی در آسیا را لمس کرد. گزارشاتى به کنگره ارائه شد، از آن جمله - و مهم - گزارش کمیسیون مسؤل مسائل ملی و مستعمراتی.

کمیسیون مذکور مرکب از ۲۰ عضو، از جمله از ممالک بلغارستان، انگلستان، فرانسه، هلند، هندوستان، اندونزی، ایران، ایرلند، یوگسلاوی، چین، کوریا، مکسیکو، روسیه، ترکیه، المان، هنگری، ایالات متحده آمریکا و اتریش بودند. ریاست کمیسیون را لنین بر عهده داشت. در گزارش این کمیسیون ۱۲ تز پیشنهادی لنین درباره مسائل ملی و مستعمراتی، که وی طرح شان را بیش از یک ماه قبل از کنگره، یعنی در آغاز ماه جون سال مزبور، نوشته بود، ارائه گردید. این تزه با عنوان " طرح تزهائی درباره مسائل ملی و مستعمراتی" هم در نشریه **انترناسیونال کمونیستی**، ش ۱۱، ۱۹۲۰، و هم در روزنامه **پراودا**، ش ۱۶۲، ۲۴ جولای ۱۹۲۰ به چاپ رسیدند. گزارش مذکوره **کمینترن** و تزه ها همچنین در منبع زیر درج گردیده اند:

**V.I. Lenin, Collected Works, vol.31, 3.edi., pp.144 - 282 (Moscow, Progress, 1977).**

تزه ها به همراه تزه های انضمامی مامابندرا ناث روی (Mamabendra Nath Roy) (۱۹۴۹ - ۱۸۹۰)، نماینده کمونیست های هندوستان در چند کنگره **کمینترن**، به تصویب کنگره رسید. ایده های اساسی در تزه های مذکور مربوط به ملل ستمکش و ستمگر و تعیین گردیدن روابط داخلی ملت ها در نتیجه مبارزه گروهی از ملل امپریالیستی علیه جنبش شورائی در جهان، عموماً، و علیه حکومت شوراها در شوروی، خصوصاً، پس از جنگ جهانی اول بودند.

لنین در تزه های خصوصاً بر مسأله جنبش بورژوا - دموکراتیک در کشورهای توسعه نیافته تأکید نموده، زیرا این مسأله در آن زمان اختلاف نظر شدیدی را موجب گشته، و این مباحثه را دامن زده بود، که آیا **کمینترن** و احزاب کمونیست وابسته به آن از حیث تئوریک و با نظر به اصول کمونیسم مجازند به حمایت از جنبش های بورژوا - دموکراتیک در کشورهای توسعه نیافته بپردازند یا خیر؟ این مباحثه منتهی به تعویض شدن اصطلاح جنبش بورژوا دموکراتیک با جنبش ملی - انقلابی گردیده بود.

گزارش کمیسیون مسؤل مسائل ملی و مستعمراتی همچنین مسأله شوراهاى دهقانى و این را لمس کرده بود، که آیا تاکتیک و سیاست کمونیستی در اوضاع ماقبل سرمایه داری در قبال دهقانان چگونه باید باشد؟

مسأله مطروحه دیگری عبارت از رابطه انقلاب سوسیالیستی با سرمایه داری به مثابه یک مرحله در تکامل اقتصاد اجتماعی ملل توسعه نیافته ای بود، که پس از جنگ جهانی جنبش های مترقی در آن ها پدید آمده، و در حال آزادی بودند.

<sup>۲</sup> انترناسیونال سوم به انترناسیونال کمونیستی (کمینترن) نیز موسوم است. اساس آن در واقع تحت جنگ جهانی اول در جریان مبارزه علیه اُپورتونیسم و سوسیال شووینیسم - که منجر به تشکیل یافتن احزاب کمونیست در یک رشته از ممالک گردید - ایجاد شده بود، اما به طور رسمی در سال ۱۹۱۹ در مسکو تشکیل یافت، و اولین کنگره اش نیز در ۲ مارچ سال مزبور با نطق لنین افتتاح گردید.

لنین در این نطق از موضوعات اهمیت تاریخی به خصوص کنگره، وضعیت نیروهای متخاصم بورژوازی و پرولتاریا در سطح جهانی، انتشار قابل توجه اندیشه دیکتاتوری پرولتاریا در دنیا پس از انقلاب اکتوبر ۱۹۱۷ در روسیه و پذیرفته شدن روزافزون سیستم شورائی به صورت فرم انقلابی دیکتاتوری پرولتاریا در اقصا نقاط جهان، تسریع گشتن دینامیسم انقلاب جهانی پرولتاریا سخن گفت، و نطقش را با پیشنهاد انتخاب کمیته رهبری کمینترن خاتمه داد. لنین در ۴ مارچ گزارشی در قالب ۲۲ تز درباره دموکراسی بورژوائی و دیکتاتوری پرولتاریا را به کنگره ارائه داد، و در خاتمه آن گزارش تصویب قطعنامه ای را که در آن به ویژه ۳ نکته زیر تأکید گردد، به کنگره پیشنهاد نمود:

(۱) ضرورت توضیح اهمیت و لزوم سیستم شورائی به توده ها در اروپای غربی؛

(۲) توسعه سیستم شورائی؛

(۳) اهتمام کمونیست ها در نیل به اکثریت در شوراها در کشورهایی که رژیم شوروی در آن ها هنوز به پیروزی نرسیده است. (ترجمه آلمانی متن کامل نطق و گزارش لنین در **Der I. Kongress der Kommunistischen Internationale, Protokoll** (پتروگراد، ۱۹۲۰) و ترجمه انگلیسی آن ها در **V.I. Lenin, ..., vol.28, 3.edi., pp.453 - 56(1981)** درج شده است.)

این کنگره در ۶ مارچ با نطق اختتامی لنین به کارش خاتمه داد.

<sup>۴</sup> زتکین مطالبات نمونه جنبش بورژوائی زن در دهه ۲۰ در اروپا را در مقاله دیگری از خود تحت عنوان "جنبش بورژوائی زن" (مندرج در **Zur Geschichte der Proletarischen Frauenbewegung** (Frankfurt/M, 1971) ss.202 - 11) در این ها خلاصه نموده است: "تساوی در عقد، تشکیل و فسخ زناشویی؛ مالکیت بر کودکان هم توسط زن و هم توسط مرد؛ اخلاق جنسی یکسان برای هر دو جنس؛ حق مالکیت آزاد و اشتغال در کلیه عرصه های زندگی اجتماعی؛ تساوی سیاسی کامل در دولت و ارگان های آن و غیره."

<sup>۵</sup> منظور زتکین از وظیفه کار عمومی از نوع همان بود که در روسیه به اجراء گذاشته شده، و آن جزئی از سیاست "کمونیسم جنگی" (**Vojénnyi kommunizm**) (۲۱ - ۱۹۱۸) بود، که بازار کار سرمایه داری و ماهیت کالائی نیروی کار را حذف می کرد. آن شامل حال کلیه اتباع شوروی از ۱۶ تا ۴۰ سال بود. زنان ۸ هفته قبل و ۸ هفته پس از زایمان از آن مستثنی بودند. آن درخصوص زنان از اهمیت ویژه ای برخوردار بوده، ثمرات مثبت و سازنده با شرکت دادن زنان در فعالیت ها و خدمات اجتماعی با حقوق برابر با مردان، خصوصاً، و برای جامعه، عموماً، در برداشت. بنابراین استقبال زنان بلشویک از این قانون به خودی خود روشن بوده است. چنان که مثلاً آلکسا-

ندرا میخائیلوفنا کولونتای ( نام اولیه: دُمنتوویچ) Aleksandra Mikhajlovna (Kollontaj(Domontovijt)(۱۹۵۲ - ۱۸۷۲) در مقاله ای با عنوان "وظیفه کار و حمایت از کار زن" منتشره در نشریه **Kommunistka** (کمونیستکا)، ش ۱-۲، ۱۹۲۰) وظیفه کار عمومی را گامی در سمت درست می داند، و معتقدست که شرکت دادن بیش ترین کارکنان و فعالان ممکن در امور جامعه به معنای تسریع امر بهسازی خدمات عمومی است، و این نظر رایج در زمانش را رد می کند، که وظیفه کار عمومی باری مضاعف بر دوش زنان کارگر و دهقان بوده باشد. یا باز در این رابطه جایی در مقاله ای از اینسا فیودوروفنا آرماند ( Inessa Fjodorovna Armand ) (۱۹۲۰-۱۸۷۴) (چاپ شده در شماره مزبور **کمونیستکا**) می خوانیم: "وظیفه کار واپسین ضربه مهلک را بر بردگی در خانه فرود آورد. زیرا به اجراء درآوردن وظیفه کار عمومی، عملی نمودن اشکال کمونیستی سازمان دهی کار بدون آزاد ساختن کار زن از وظیفه مراقبت از خانواده، از قابلمه ها ممکن نیست. با به اجراء درآمدن وظیفه کار این حتی بر کوران و لجوجان نیز روشن خواهد شد."

بحران اقتصادی که پس از خاتمه جنگ جهانی اول پدید آمد، شدیدترین بحرانی بود که تاریخ جهان در قرن سابق تجربه نمود.

این بحران تقریباً بلافاصله پس از اتمام جنگ در نومبر ۱۹۱۸ آغاز گشت، و تا شروع جنگ جهانی دوم در ۱۹۳۹ ادامه یافته، سریعاً ماهیت بحران عمومی را به خود گرفت. امواج بحران از اروپا تا امریکای شمالی را درنوردید، و فقر و بیکاری توده ئی رخ نمود. بحران از ۱۹۲۹ کاهش یافته، در سال های ۳۳-۱۹۳۲ فروکش کرد. اما کاهش بحران به هیچ وجه به مفهوم کاهش بیکاری نبود. بیکاری از ۱۹۲۹ به طور لاینقطع افزایش یافت. نگاهی به نتایج این بحران:

تولید ملی امریکای شمالی در سال های ۳۳-۱۹۳۲ تقریباً نصف میزان آن در ۱۹۲۹ بود. شمار مشغولان ۶۰٪ و سطح مزد ۴۰٪ کاهش یافته بود. بیکاری در امریکا از آغاز ۱۹۳۳ به ۱۳ میلیون نفر رسیده بود، به علاوه تعداد قابل توجهی که ناگزیر از ترک کار تمام وقت و روی آوردن به کار نیمه وقت شده، یا به کاهش مزد تن در داده بودند. درآمد دهقانان نصف شده بود. امریکای شمالی، ثروت مندترین کشور جهان، نظیر چنان فقر و بیکاری را تجربه ننموده بود. بحران طبیعتاً در روابط تجاری امریکا با خارج نیز تأثیر گذاشت. امریکا از طریق تجارت جهانی و بازار وام بین المللی با اروپا مرتبط بود، و بازسازی و تقویت اروپا تا درجه زیادی به همین تجارت خارجی با امریکا و بازار وام بستگی داشت. به عبارت دیگر این جا صحبت از یک سیستم بود که در اثر بحران اقتصادی جهانی از هم پاشیده بود، و در نتیجه آن صادرات امریکا از ۵ میلیارد دلار در ۱۹۱۹ به تقریباً ۱/۵ میلیارد دلار در ۱۹۳۲ و واردات آن از ۴ میلیارد دلار به حدود ۱ میلیارد دلار کاهش یافته بود.

عواقب بحران در اروپا، که بر اثر جنگ کاملاً فرسوده و متحمل ضایعات مادی، فرهنگی و انسانی سنگینی گشته بود، وخامت بارتر از عواقب بحران در امریکای شمالی بود. به عنوان مثال در المان: درآمد ملی از ۱۹۲۹ تا ۱۹۳۲ تقریباً ۴۰٪ کاهش یافته بود. تولید صنعتی در مجموع تقریباً ۴۵٪ تنزل یافته بود. تولید فلزات خالص تقریباً ۷۰٪، فولاد تقریباً ۶۵٪ و تجارت خارجی

تقریباً ۶۰٪ و واردات تقریباً ۷۰٪ کاهش یافته بود. بیکاری توده ای در زمستان ۱۹۳۲ ۶ میلیون نفر، یعنی قریب ۱/۳ کل شاغلان المان بود.

بحران طبیعتاً عواقب سیاسی وخیمی نیز به دنبال داشت، از جمله در المان، که موجب به قدرت رسیدن فاشیسم هیتلری شد.

<sup>۷</sup> **انترناسیونال دوم** در کنگره ای برگذ ارشده در ۲۰- ۱۴ جولای ۱۸۸۹ در پاریس ایجاد گردید، و این، زمان آغاز مرحله امپریالیستی سرمایه داری بود. موضوعاتی که تقریباً تا بدو جنگ جهانی اول شدیدترین مباحثات را در کنگره های **انترناسیونال دوم** دامن زدند، میلیتاریسم و جنگ بودند. می توان گفت، قریباً از زمان آغاز جنگ آپورتونیزم بر دستگاه **انترناسیونال دوم** غلبه نمود، و موضع غیرانقلابی آن در قبال مسأله جنگ موجب از بین رفتن اقتدار و اعتبارش در جنبش کارگری جهان گردید. علی رغم صادر شدن قطعنامه های **انترناسیونال دوم** مبنی بر این که هرگز کارگران کشورها را برای دست بردن به اسلحه به ضد یکدیگر فرانخواهد خواند، مهم ترین احزاب آن در اروپا، **حزب سوسیال دموکرات المان** و **حزب سوسیالیست فرانسه**، از موضع شوونیستی - میهن پرستانه " به نفع" شرکت طبقه کارگر در جنگ جهانی رأی دادند.

**انترناسیونال دوم** تحت جنگ هیچ کوششی در جهت سازمان دهی عملیات بین المللی از سوی طبقه کارگر به ضد جنگ صورت نداد. اگر کنفرانسی بین المللی نیز برگزار گردید، به ابتکار و همت گروه های انقلابی مخالف در احزاب کارگری اروپای غربی و بلشویک های روسیه بود. **انترناسیونال دوم** تا ۱۹۱۹ متدرجاً خصومت طبقاتی تاریخی اش با بورژوازی را ترک گفته، سرانجام به اصول انترناسیونالیسم پشت پا زد. لنین در نطقش ضمن گشایش اولین کنگره **کمینترن** در ۲ مارچ ۱۹۱۹ گفت:

" انترناسیونال دوم مُرده است، تحت تسلط آپورتونیزم درآمده است."

در فاصله سال های ۲۰ - ۱۹۱۹ احزاب سوسیالیستی سانتریستی در اثر تحت فشار قرار گرفتن از سوی توده های کارگر از **انترناسیونال دوم** جدا گشته، در فوریه ۱۹۲۱ در کنفرانسی در وین (Wien) ( اتریش) انترناسیونال دیگری موسوم به **انترناسیونال دو و نیم** را پایه گذاری نمودند، که بعد به **انترناسیونال سوسیالیستی کارگران** نیز معروف گردید.

این انترناسیونال اخیر در ۱۹۲۳ منحل گردید.

<sup>۸</sup> ۴ اگست ۱۹۱۴ جلسه تاریخی سوسیال دموکرات های المان - که دارای نقش رهبری کننده در **انترناسیونال دوم** بوده، تئورسین های سرشناسی به آن ارائه نموده بودند - به مناسبت مسأله جنگ جهانی اول برگزار گشت. در این جلسه به استثنای لیکنخت اعضای حزب همه از موضع شوونیستی - میهن پرستانه " به نفع" شرکت المان در جنگ رأی دادند.

رایشستاگ المان در ماه مذکور به اتفاق آراء موافقتش را با جنگ اعلام داشته، اعطائیات ضرور و اختیارات تام در این مورد را به دولت وقت داد. نمایندگان سوسیال دموکرات به استثنای لیکنخت نیز جزو رأی دهندگان بودند. ۲ دسمبر ۱۹۱۴ تنها لیکنخت بود که " به ضد" مطالبه اعطائیات رأی داد.

در مارچ ۱۹۱۵ اتو روله (Otto Rühle) (۱۹۴۳-۱۸۷۴) کمونیست به لیکنخت پیوست، و ۳۰ نماینده سوسیال دموکرات سالن رایشستاگ را پیش از آغاز رأی گیری برای اعطائیات جدید ترک کردند. نظیر این امر در اگست ۱۹۱۵ تکرار گشت. در دسمبر سال مزبور ۲۰ سوسیال دموکرات به ضد اعطائیات جدید رأی دادند، ۲۲ تن از رأی دهی امتناع ورزیدند.

این بحران سیاسی نوعی اعلام خطر به جنبش سوسیال دموکرات کارگری بود. متعاقباً تحت تأثیر جنگ، عموماً، و وقایع روسیه، خصوصاً، انشعاباتی در نه فقط جنبش کارگری المان، بلکه به طور کلی در جنبش کارگری اروپا و دنیا روی داد.

همزمان با اوج گرفتن نارضایتی ها در پارلمان های ملل شرکت کننده در جنگ از آن، چپ انقلابی جنبش کارگری مطالبه سیاستی فعالانه، انقلابی و برون پارلمانی را به پیش کشید. به عنوان مثال لنین شعار تبدیل نمودن جنگ راهزنانه امپریالیستی به جنگ داخلی اجتماعی برای خاتمه دادن به جنگ جهانی و سرنگون ساختن سرمایه داری را مطرح کرد. ۳۸ نماینده کم و بیش رسمی از سوی احزاب و گروه های کارگری ۱۱ کشور از ۵ تا ۸ سپتامبر ۱۹۱۵ در زیمروالد (Zimmerwald) (سوئیس) در یک کنفرانس بین المللی سوسیالیست ها گرد آمدند، و اعلانیه ای به ضد جنگ سرمایه داری تصویب نمودند. این جریان در اپریل ۱۹۱۶ تکرار گشت. (سال بعد از آن نیز بود که یکی از نوشته های مهم لنین، *امپریالیسم به مثابه بالاترین مرحله سرمایه داری*، در اپریل ۱۹۱۷ در پتروگراد برای نخستین بار به صورت جزوه چاپ و منتشر گردید. این نوشته در (1977) 304 - 185, 3.edi., vol.22, *V.I. Lenin, ...* درج شده است.) ارتباطات زیمروالد همچنین نقش مهمی در برقرار گردیدن **کمینترن** در ۱۹۱۹ داشت.

<sup>۹</sup> در این کنفرانس مسأله اساسی این بود که سوسیال دموکرات های ممالک مختلف کدام تاکتیکی را در درقبال مبارزات زنان برای نیل به حق رأی می باید به کار گیرند. مطالبه حق رأی زنان تا به این زمان به طور کلی جزو سیاست سوسیال دموکرات ها نبود.

زتکین در مقاله " جنبش سوسیال دموکراتیک زن " نکات بیش تری درباره این کنفرانس نوشته است.

<sup>۱۰</sup> *لومپن پرولتاریا (Lumpenproletariat)*: لومپن پرولتاریا به آن گروهی از مردم یک جامعه اطلاق می شود که سابقاً متعلق به طبقه پرولتاریا بوده اند، ولیکن شرایط اقتصادی - اجتماعی مشخصی آن ها را متدرجاً از سازمان طبقه پرولتاریا منفک، و هر نوع رابطه تعلقاتی شان با پرولتاریا را قطع نموده، آن ها را به گروهی فاقد طبقه در جامعه تبدیل ساخته، و جهت مبارزه فردی برای بقاء به طرقی چون اقسام تبهکاری، روسپیگری، بدل گشتن به عمال و اوباش و قلچماق های فلان گانگستر، بهمان رهبر فاشیست یا یک کودتاچی و یا عناصر مخرب و تفرقه افکن و خبرچین در صفوف طبقه کارگر و مبارزات طبقاتی کارگران رجوع داده است.

لومپن پرولتاریا نمی تواند هیچ طبقه اجتماعی را در جامعه تشکیل دهد، زیرا این گروه نه دارای شرکت مستقیمی در پروسه تولید اجتماعی است، و نه اصلاً دارای نقش مشخصی در زندگی جامعه. لنین واژه " طبقات " را چنین توضیح داده است: " طبقات به گروه های بزرگی از افراد اطلاق می گردد که بر حسب جای خود در سیستم تاریخی معین تولید اجتماعی، برحسب مناسبات خود

(که اغلب به صورت قوانین تثبیت و تنظیم گردیده است) با وسایل تولید، برحسب نقش خود در سازمان اجتماعی کار و بنا براین برحسب شیوه های دریافت و میزان آن سهمی از ثروت اجتماعی که در اختیار دارند، از یکدیگر متمایزند. طبقات آنچنان گروه‌هائی از افراد هستند که از بین آنها یک گروه می‌تواند به علت تمایزی که بین جای آنها در یک رژیم معین اقتصاد اجتماعی وجود دارد، کار گروه دیگر را به تصاحب خود در آورد. ("ابتکار عظیم"، لنین، آثار منتخبه در دو جلد، ج ۲ (قسمت دوم)، ص ۲۶۹ (مسکو، اداره نشریات بزبانهای خارجی، ۱۹۵۷).)



زتکین سرگرم نطق در یک اعتراض در مقابل رایشتاگ المان (۱۹۲۱)